


Transnational interpretation of the restrictions governing the right of access to information and its free dissemination (a case study of the judgments of the European Court of Human Rights)

Ahmad Khosravi(Ph.D.)¹

 0000-0000-0000-0000

Atefeh Ajori Ayask(Ph.D.)²

 0000-0000-0000-0000

Abstract

The right to freedom of information is considered as one of the most fundamental human rights, as well as one of the requirements of democracy and one of the political rights, which plays an essential role in guaranteeing other rights through raising awareness of people and transparency of performance. governments have The said right, although according to Hofeld's analysis, it is considered one of the rights-claims that the governments are obligated to, it is not an absolute right and has limitations. The restrictions governing the aforementioned right are mainly public order, public interest, public interest, ethics and the like, which are considered abstract concepts and there is no consensus on its definition and nature, and it is not defined in human rights laws and documents. For this reason, there is always a possibility that they will be abused by governments. The possibility of abuse, especially in the case of the said right, which is actually the right to access administrative documents and documents, and is actually the right to monitor the performance of the government, is more. Therefore, it is necessary to examine the scope of the aforementioned concepts in the procedure of judicial authorities. Considering that governments are always one side of such lawsuits and there is a possibility of usurpation in the proceedings of domestic judicial authorities, for this reason, the judicial authority beyond the governments, the same authority that specializes in human rights issues. Paying better than any other institution can be decisive in this regard. Therefore, an attempt has been made to analyze the procedure of the European Court of Human Rights as an international, albeit regional, judicial authority regarding the limitations of the right to freedom of information in a descriptive-analytical manner.

Keywords: Right to freedom of information, human rights, European Court of Human Rights, jurisprudence.

1- Assistant Professor University of Birjand, Iran

a.khosravi@birjand.ac.ir

2- Assistant Professor University of Birjand, Iran

ajori@birjand.ac.ir

تفسیر فراملی از قیود حاکم بر حق آزادی اطلاعات (مطالعه موردی آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر)

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲

احمد خسروی^۱

عاطفه آجری آیسک^۲

چکیده

حق بر آزادی اطلاعات به عنوان یکی از بنیادین‌ترین حق‌های بشری و همچنین یکی از الزام‌های مردم‌سالاری و از حق‌های سیاسی محسوب می‌شود که نقش اساسی در تضمین سایر حق‌ها از طریق آگاهی‌سازی افراد و شفافیت عملکرد دولت‌ها دارد. حق مزبور گرچه برابر تحلیل موفلد جزو حق-ادعاها محسوب شده که مکلف آن دولت‌ها هستند، حقی مطلق نبوده و دارای قیودی است. قیود حاکم بر حق مزبور عمدتاً نظم عمومی، مصلحت عمومی، منفعت عمومی، اخلاقیات و امثال آن می‌باشند، که مفاهیمی مجرد و انتزاعی محسوب شده و در تعریف و ماهیت آن اتفاق نظر وجود ندارد و در قوانین و اسناد حقوق بشری تعریف نشده است. به همین دلیل، همواره امکان اینکه مورد سوءاستفاده دولت‌ها قرار گیرند وجود دارد. احتمال سوءاستفاده به خصوص در مورد حق مزبور که در واقع حق دسترسی به اسناد و مدارک اداری است و در واقع حقی است که عملکرد دولت را رصد می‌کند، بیشتر است؛ لذا ضرورت دارد تا جهت تبیین قلمرو مفاهیم فوق‌الذکر رویه مراجع قضایی مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به اینکه یک طرف این‌گونه دعاوی همواره دولت‌ها هستند و در رسیدگی‌های مراجع قضایی داخلی، احتمال سوءگیری وجود دارد، به همین دلیل مرجع قضایی فراتر از دولت‌ها، آن‌هم مرجعی که به صورت تخصصی به مسائل حقوق بشر می‌پردازد بهتر از هر نهاد دیگری در این خصوص می‌تواند تعیین‌کننده باشد؛ لذا سعی شده تا به صورت توصیفی-تحلیلی، رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر به عنوان مرجع قضایی بین‌المللی، هر چند منطقه‌ای، در خصوص قیود حق آزادی اطلاعات بررسی شود.

واژه‌های کلیدی

حق آزادی اطلاعات، حق‌های بشری، دادگاه اروپایی حقوق بشر، رویه قضایی.

۱- استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه حقوق، دانشگاه بیرجند، خراسان جنوبی، ایران.
(نویسنده مسئول).

a.khosravi@birjand.ac.ir

۲- استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه حقوق، دانشگاه بیرجند، خراسان جنوبی، ایران.
ajori@birjand.ac.ir

مقدمه

حق بر آزادی اطلاعات که به معنای توانایی شهروندان در دسترسی به اطلاعات است (نمک‌دوست تهرانی، ۱۳۸۳، ص. ۶۴) دارای دو مفهوم موسع و مضیق است. حق مزبور در مفهوم موسع شامل حق افراد در کسب هرگونه اطلاعات و انتقال و انتشار آزادانه در هر مکانی است (UN General Assembly, calling of an international conference on freedom of information, 1946, a/RES/59). و در مفهوم مضیق به معنای آزادی شهروندان در دسترسی به اطلاعات نگهداری شده توسط دستگاه‌های دولتی اعم از حکومتی، اداری و در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی است (Council of Europe Convention on Access to official document). بر اساس این حق، هر یک از اعضای جامعه هر زمان که بخواهند می‌توانند درخواست دسترسی به اطلاعاتی را که در یکی از دستگاه‌های اجرایی نگهداری می‌شود را داشته باشند و آن مؤسسه فقط با استناد به دلایل پذیرفته شده و قانونی می‌تواند تقاضای وی را رد نماید (انصاری، ۱۳۸۷، ص. ۲۶). حق آزادی اطلاعات در مفهوم مضیق یا حق بر دسترسی آزاد به اطلاعات، عمدتاً به عنوان یکی از حقوق سیاسی و یکی از الزام‌های نظام‌های مردم‌سالار محسوب می‌شود. در واقع حامیان مردم‌سالاری معتقدند نخستین گام برای کمک به تحقق آرمان مردم‌سالاری حمایت از آزادی مطبوعات است که بعداً این آزادی به قلمرو فعالیت سایر رسانه‌های همگانی نیز تسری یافت و به حق بر آزادی اطلاعات و انتشار آن ارتقا یافت. از این ابزار به ویژه برای آگاهی دادن به مردم برای مشارکت در امور عمومی و سرنوشت اجتماعی استفاده می‌شود. به همین دلیل، آزادی مطبوعات و پس از آن آزادی اطلاعات به عنوان رکن چهارم مردم‌سالاری محسوب می‌شود. همچنین گام دوم در تحقق مردم‌سالاری، شفاف‌سازی حکومت و دولت است. به موجب این سازوکار حق مردم در دسترسی آزادانه به اسناد و مدارک دولتی به رسمیت شناخته شده است؛ لذا اهمیت این حق به قدری شده است که از آن به اکسیژن مردم‌سالاری یاد می‌شود (انصاری، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۷-۱۳۸). نکته شایان توجه این است که با پیشرفت فناوری به خصوص وسایل ارتباط جمعی نوین و رسانه‌های گروهی فراگیر که ساختار نظام اجتماعی نوین را تشکیل داده‌اند و

امکان دسترسی به اطلاعات را آسان‌تر و نظارت و کنترل آن توسط دولت‌ها را کمتر کرده است، هر روز بر اهمیت حق مزبور افزوده شده؛ اما با توجه به اینکه این حق، حقی مطلق نیست و از حق‌های مقید است و از طرف دیگر با توجه به ماهیت حق مزبور که مکلف آن دولت‌ها هستند، قیدهای حاکم بر آن کدام است؟ گرچه قیدهای حق مزبور در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی مطرح شده؛ اما با توجه به ماهیت قیدهای مذکور و به‌خصوص اینکه به‌صورت الفاظ و اصطلاحات مجرد هستند و در خصوص تعریف و ماهیت آن اتفاق نظر وجود ندارد، این موضوع، همواره مورد سوءاستفاده دولت‌ها قرار می‌گیرد و لذا ضرورت دارد تا رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر که مرجعی فراملی و تخصصی در زمینه حق‌های بشری است در این خصوص مورد توجه قرار گیرد. به‌همین خاطر در ابتدا جایگاه و اهمیت حق مزبور و به‌خصوص تأثیر آن بر سایر حق‌ها، سپس قلمرو و درنهایت قیدهای حاکم بر حق مزبور در اسناد بین‌المللی شناسایی و سپس در رویه دادگاه فوق‌الذکر بررسی می‌شود.

۱- رابطه حق بر آزادی اطلاعات با سایر حق‌های بشری

بین حق آزادی اطلاعات و انتشار آن و سایر حق‌های بشری ارتباط برونی و متقابل وجود دارد. از آنجاکه حقوق بشر در دوران کنونی نظامی هنجاری است که متضمن حق‌های افراد در برابر دولت است، کارکرد اصلی این نظام هنجاری محدود کردن قدرت دولت در برابر افراد است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ص ۵۳). به‌عبارت‌دیگر گفتمان حاکم بر اسناد بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با دولت‌ها، تعهدمدار و نسبت به افراد حق محور است. به‌خاطر همین تزاخم و تضاد بین حق‌های افراد و قدرت دولت احتمال نقض آن توسط دولت‌ها وجود دارد. این امکان نقض برای حق بر آزادی اطلاعات که جزو حق‌های سیاسی است که در واقع حق‌هایی در مقابل دولت‌ها هستند، در مقایسه با سایر حق‌ها بیشتر است. علاوه‌بر آن انتشار اطلاعات خود به‌مثابه شمشیر دولبه عمل می‌کند و گاهی خود به‌عنوان ابزاری در جهت توجیه اقدامات ضدحقوق بشری دولت‌ها است، به‌خصوص در کشورهای غیرمردم‌سالار که رسانه‌ها و به‌طورکلی ابزارهای اطلاع‌رسانی (ارتباطی) در تسلط دولت‌ها قرار دارد و

این دولت‌ها که در نقض حقوق بشر محدودیتی برای خود قائل نیستند، با دخالت در رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی جریان اطلاع‌رسانی صحیح را مختل می‌کنند و در واقع در این نوع از رژیم‌های سیاسی، وسایل ارتباط جمعی جزو دستگاه‌های تبلیغاتی دولت‌ها هستند و از خود هویت مستقل و خودمختاری ندارد (رستمی خوراسگانی، ۱۴۰۱، ص. ۱۰۹). لذا نه تنها حق بر آزادی اطلاعات و انتشار آن به راحتی نقض می‌شود بلکه با نقض این حق، نقض سایر حق‌های بشری نیز چندان در این کشورها منعکس نمی‌شود و لذا دولت‌ها به راحتی دست به نقض حق‌های بشری می‌زنند. متقابلاً تضمین حق مزبور، به خصوص تأمین استقلال وسایل ارتباط جمعی، ضمن اینکه خود ابزاری جهت آزادی بیان هستند، با بازتاب مسائل حیاتی و مهم سیاسی و اجتماعی در حوزه حقوق بشر و با تعدیل شرایط و اصلاح رفتارهای مخالف با حقوق بشر در جوامع و از طرف دیگر با ارتقای سطح آگاهی افراد بشر، آنان را از حقوق خود آگاه کرده و در نتیجه باعث ارتقای وضعیت حقوق بشر می‌شود. علاوه بر آن، حق مزبور بر سایر حق‌های بشری نیز تأثیرگذار است و به همین خاطر می‌توان آن را جزو حق‌های بنیادین تلقی کرد، چرا که این حق که به معنای حق دسترسی به اخبار و اطلاعات و همچنین حق انتشار آن به وسیله ابزار و وسایلی مانند رادیو و تلویزیون، روزنامه، مجله و امثال آن نیز است، با انتشارات عقاید، اعم از سیاسی، مذهبی و غیره، ضمن اینکه خود مصداقی از آزادی بیان است بر آزادی اندیشه و عقیده تأثیر می‌گذارد و در سطح کلان‌تر همان‌طور که گفته شد با آگاهی‌سازی شهروندان از حقوق خود نسبت به دولت و آگاهی‌سازی از عملکرد دولت، باعث می‌شود که افراد به نحو مطلوب‌تری از حق تعیین سرنوشت اجتماعی خود بهره‌مند گردند. به خصوص که این حق یکی از الزام‌های حق مشارکت در اداره امور عمومی بالمباشره یا به واسطه نمایندگی، انتخابات و تصدی مشاغل عمومی کشور، آزادی بیان و آزادی تشکلات و تشکیلات است.

۲- ماهیت و قلمرو حق بر آزادی اطلاعات در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

حق مزبور که از حق‌های بشری است، در تقسیم‌بندی هوفلد جزو دسته حق-ادعا^۱ قرار

1- Claim-right

دارد و حق به معنای خاص محسوب می‌شود (Hohfeld, 1917, pp.710-715) که لازمه آن تکلیف برای طرف مقابل است. حق‌های بشری به طور کلی و حق بر آزادی اطلاعات به طور خاص نظام هنجاری است که متضمن حق‌های افراد در برابر دولت است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ص ۵۳) و دولت‌ها متعهد به تضمین این حق‌ها در برابر افرادند. از طرف دیگر حق مزبور که جزو حق‌های سیاسی محسوب شده، جزو حق‌های نسل اول بشر بوده و حق‌های مزبور ماهیتاً به گونه‌ای هستند که تحقق آنها با عدم مداخله غیرموجه دولت امکان‌پذیر بوده و لذا باید گفت ماهیت تکلیف دولت نسبت به آنها از نوع تعهد به نتیجه می‌باشد (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ص ۵۸). حق‌های مزبور از حق‌های جهانشمول بوده؛ اما جزو حق‌های مقید می‌باشد و همانند بسیاری دیگر از حق‌های بشری محدود و مقید به قیودی است. از طرف دیگر ممکن است حق مزبور در تراحم با سایر حقوق قرار گیرد که این امر نیز خود باعث تحدید حق مزبور می‌شود.

این قیود در اسناد حقوق بشری ضمن تبیین حق‌های بشری مورد توجه قرار گرفته است؛ به عنوان مثال اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ در ماده ۲۹ مقرر می‌دارد: «هر کس در اجرای حق‌ها و آزادی‌های خود تنها تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ برای تضمین شناسایی و مراعات حق‌ها و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در یک جامعه مردم‌سالار وضع گردیده است». حق بر آزادی اطلاعات که خود مصداقی از حق آزادی بیان نیز محسوب می‌شود در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۲ مورد توجه قرار گرفته است؛ «۱. هر کس از حق آزادی بیان برخوردار می‌باشد. این حق شامل آزادی داشتن عقیده و دریافت و انتقال اطلاعات و ایده‌ها، بدون مداخله مقام دولتی و صرف‌نظر از مرزهای جغرافیایی می‌باشد. این ماده مانع دولت‌ها از الزام به دریافت مجوز پخش اخبار بنگاه‌های تلویزیونی و سینمایی نخواهد بود». بند ۲ ماده مذکور محدودیت‌های حق مزبور را بیان کرده است؛ «۲. اعمال این آزادی‌ها، از آنجا که با خود وظایف و مسئولیت‌هایی به همراه دارند، ممکن است

1- United Nations Universal Declaration of Human Rights (1948)
2- European Convention of Human Rights (1950)

منوط به تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی باشد که به موجب قانون مقرر شده و در یک جامعه مردم‌سالار به دلایل امنیت ملی، تمامیت ارضی یا امنیت عمومی به منظور حفاظت از شهرت یا حقوق دیگران، به منظور جلوگیری از افشای اطلاعات دریافتی محرمانه به منظور حفظ اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضایی، ضروری می‌باشد. به‌طور کلی آنچه از مجموع اسناد حقوق بشری و به‌خصوص ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قابل استنباط است می‌توان گفت قیدهای حاکم بر حق مزبور مسائلی مانند حقوق دیگران، حریم خصوصی، نظم عمومی، منفعت عمومی، مصلحت عمومی، اخلاقیات و امثال آن است. توجه به برخی از مفاهیم مانند نظم عمومی، منفعت عمومی، مصلحت عمومی و اخلاقیات مفاهیم مجرد و انتزاعی بوده؛ لذا ضمن اینکه نمی‌توان تعریف دقیقی از آنها ارائه داد، نمی‌توان ملاک و معیار دقیق و مشخصی برای آن ارائه کرد. به همین خاطر ممکن است مورد سوءاستفاده دولت‌ها قرار گیرد و در مرحله عمل، برداشت‌های مختلفی از آن صورت گیرد و دولت‌ها تحت لوای الفاظ مزبور اقدام به نقض حق مزبور نمایند. برای تعیین دقیق‌تر قیود حق مزبور، بررسی آن در مرحله عمل و اجرا، آن‌هم در مرجع قضایای مستقل و فراتر از سطح کشورها می‌تواند به‌عنوان بهترین گزینه در این زمینه تلقی شود. از این‌رو در ادامه رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر که نهاد قضایی بین‌المللی منطقه‌ای است و به‌عنوان مرجع حمایت از حق‌های بشری تلقی می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- قیود حق بر آزادی اطلاعات در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر

محدودیت‌های حق مزبور مستنبط از ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین مواد ۱۹ و ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی بیش از هر چیز باید با احراز شرایطی باشد. این شرایط عبارت‌اند از: الف) مطابق قانون تعیین شده باشد و این محدودیت‌ها باید برای عموم به صورت شفاف و روشن باشد، ب) محدودیت‌های تعیین شده باید براساس یکی از موارد مندرج و احصا شده در اسناد بین‌المللی لازم‌الاجرای مربوط قابل توجیه باشد و ج) محدودیت باید در یک جامعه دمکراتیک از ضرورت برخوردار باشد (مولایی،

۱۳۷۸، ص. ۳۱. باوجود این مبانی دخالت دولت را میتوان در قالب یکی از قیود ذیل دانست که به تبیین آن می‌پردازیم.

۳-۱- نظم عمومی^۱

مفهوم نظم عمومی در ترمینولوژی حقوق، به مجموعه سازمان‌های حقوقی و قواعد مربوط به حسن جریان امور راجع به اداره کشور و حفظ امنیت و اخلاق که تجاوز از آنها امکان‌پذیر نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص. ۷۱۷) تعریف شده است. گرچه نظم عمومی آنقدر اهمیت دارد که اساس و پایه یک جامعه عدالت محور محسوب می‌شود، چراکه امنیت اشخاص و زندگی اجتماعی، توزیع و تجدید امتیازات اجتماعی، رعایت احترام به مفاهیم کلی حقوقی و تلاش و دقت در آیین دادرسی را تضمین می‌کند؛ اما در خصوص ماهیت نظم عمومی به دلیل گستردگی و ظرافت نظم عمومی، تعریف دقیقی وجود ندارد، به گونه‌ای که این اصطلاح در قوانین موضوعه بسیاری از کشورها تعریف نشده است و حقوق‌دانان بسته به گرایش و تخصص خود برای رسیدن به مفهوم آن هر کدام مسیری را پیموده‌اند (الماسی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۳)؛ بنابراین در تعریف آن، آنچه مهم تلقی می‌شود، به دست دادن یک معیار و ضابطه تشخیص است، نه جامع و مانع بودن آن (رحمت‌اللهی و آقا محمدآقایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۲).

نظم عمومی یکی از مبانی اعمال محدودیت بر حقوق سیاسی شهروندان محسوب می‌شود؛ اما بی‌شک این محدودیت مطلق نبوده و نایستی خود به انتقای حق سیاسی شهروند منجر گردد. در پرونده‌ای علیه دولت اتریش^۲ شاکی به دلیل تحریک اعضای ارتش از طریق مطبوعات (توزیع ماهنامه در میان سربازان با مطالبی انتقادی در خصوص زندگی افراد نظامی، مبنی بر اینکه قوانین ارتش برخلاف قانون اساسی و عدالت است) به نافرمانی و نقض قوانین ارتش به سه سال حبس تعلیقی محکوم گردیده بود. اگرچه در نگاه اول محکومیت نامبرده از جهت حفظ نظم در ارتش استرالیا و حفظ امنیت ملی قابل

1- Public order

2- Vereinigung demokratischer Soldaten Österreichs and Gubi v. Austria, 19 December 1994, Series A no. 302.

توجیه است؛ اما دادگاه اروپایی حقوق بشر استدلال کرد که بیشتر مطالب، پیشنهادهایی در جهت تشویق خوانندگان برای طرح شکایت قانونی بوده و علی‌رغم محتوای تحریک‌آمیز آنها به نظر نمی‌رسد که مطالب چیزی جز بیان ایده‌هایی که باید در ارتش یک دولت مردم‌سالار رعایت شود، باشد و لذا محکومیت نامبرده را برخلاف ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دانست (Voorhoof et al, 2016, p.37).

در پرونده‌ای دیگر علیه دولت انگلیس^۱، که حاوی شکایت‌های مشابه بود، افرادی به دلیل برهم زدن نظم عمومی از سوی مقامات انگلیس دستگیر و بازداشت شدند که نسبت به این موضوع به دادگاه اروپایی حقوق بشر شکایت کردند. شاکیان فعالان حوزه محیط زیست و صلح بودند که یکی در اعتراض به ساخت یک بزرگراه به دلیل ایجاد مشکلات زیست‌محیطی و دیگری در اعتراض به فروش بالگردهای نظامی شرکت کرده بودند. این اعتراض‌ها از طریق توزیع اعلامیه و در دست داشتن بنر در مقابل یک مرکز اجلاس بود. دادگاه اروپایی با این استدلال که هیچ نشانه‌ای از اینکه این افراد مانع از برگزاری اجلاس شده‌اند یا تلاشی برای جلوگیری از برگزاری اجلاس کرده باشند یا اقدام‌هایی برای تحریک دیگران به خشونت کرده باشند، وجود ندارد و توزیع مسالمت‌آمیز اعلامیه نمی‌تواند نقض صلح و نظم عمومی تلقی شود و با اتفاق آرا به این نتیجه رسید که نقض ماده ۱۰ کنوانسیون صورت گرفته است (Voorhoof et al, 2016, p.53-55).

۳-۲- منفعت عمومی^۲

ترکیب منفعت عمومی همانند بیشتر مفاهیم علوم انسانی، دارای تشبث در تعریف و تبیین است (ویژه و امجدیان، ۱۳۹۴، ص.۲۶). منفعت عمومی را می‌توان هر آن چیزی دانست که برای عموم افراد جامعه دارای ارزش و سودمند تلقی شده و همگان امکان بالقوه استفاده از آن را خواهند داشت (حاج‌زاده، ۱۳۹۳، ص.۷). از منظر دادگاه اروپایی حقوق بشر، منفعت عمومی به اموری مربوط می‌شود که به‌حدی بر عموم تأثیر می‌گذارد که می‌توان گفت عموم

1- Steel and Others v. the United Kingdom, 23 September 1998, Reports of Judgments and Decisions 1998-VII.

2- Public interest

به‌طور مشروع در آنها منفعت دارند.^۱ بی‌تردید نمی‌توان عناصر سازنده بومی و محلی مفهوم منفعت عمومی مانند فرهنگ، عادات عمومی و اندیشه‌های مذهبی را در تعریف آن نادیده گرفت (گرچی، ۱۳۸۱، ص. ۴۰). گاهی اوقات از منفعت عمومی، تعبیر به مصلحت عمومی نیز می‌شود.

منفعت و مصلحت عمومی یکی از مبانی دخالت دولت در حقوق و آزادی‌های سیاسی شهروندان و اعمال محدودیت در آنها است. حقوق سیاسی شهروندان برقرار و مستقر است؛ اما زمانی که این حقوق با منافع جامعه در تضاد قرار گیرند و الزام به انتخاب یکی از آنها پیش آید منفعت عمومی اولویت پیدا خواهد نمود؛ البته لازم به تذکر است که این منفعت بایستی تحت حاکمیت قواعد قانونی و طبق معیارهای معقول و متعارف صورت پذیرد.

اصل ۱۲ اصول ژوهانسبورگ^۲ (۱۹۵۶) مقرر می‌دارد که دولت نمی‌تواند به بهانه سری و طبقه‌بندی بودن اطلاعات، دسترسی به همه اطلاعات مربوط به امنیت ملی را سلب کند. این محدودیت‌ها ضمن اینکه باید به موجب قانون باشد برابر اصل ۱۵ سند مزبور در صورتی محدود می‌شود که به منفعت عمومی مشروع جامعه آسیب وارد کند.

نکته جالب توجه اینجاست که گرچه منفعت عمومی یکی از قیود حق بر انتشار آزاد اطلاعات است؛ اما همین امر خود می‌تواند یکی از دلایل این حق باشد. چنانچه دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده‌ای علیه دولت فرانسه^۳، ممانعت از دسترسی به اسنادی که در موضوع‌های دارای منفعت عمومی کارایی دارد، را نقض ماده ۱۰ کنوانسیون می‌داند. در این پرونده، انتشار اطلاعات، داده‌ها و یا اسناد در صورتی مشمول ماده ۱۰ دانسته شده که منافع عمومی اقتضا کند (Noorhoof et al, 2016, p.56-57).

همچنین در سال ۲۰۰۹، در پرونده دیگری علیه دولت مجارستان^۴ زمانی که نماینده مجلس مجارستان دعوی را برای بررسی اصلاحات قانون مجازات در بخش مربوط به مواد مخدر مطرح کرد، یک سازمان غیردولتی حقوق بشری فعال در زمینه سیاست‌های

1- Magyar Helsinki Bizottság v. Hungary [GC] - 18030/11 Judgment 8.11.2016 available at: <https://hudoc.echr.coe.int/tur#%7B%22itemid%22:%5B%22002-11282%22%7D> last visited: 12/20/2023

2- Johannesburg Principles on National Security, Freedom of Expression and Access to Information

3- Fressoz and Roire v. France [GC], no. 29183/95, ECHR 1999-I.

4- Társaság a Szabadságjogokért v. Hungary - 37374/05 Judgment 14.4.2009.

مربوط به مواد مخدر تقاضای دسترسی به این شکایت را کرد که دادگاه قانون اساسی مجارستان با این استدلال که داده‌های مزبور «شخصی» است و شکایات فقط با تأیید شاکی می‌تواند در اختیار افراد خارج از دعوی قرار گیرد، درخواست وی را رد کرد. با شکایت در دادگاه اروپایی، دادگاه مزبور استدلال کرد که با توجه به ماهیت فعالیت‌های سازمان مزبور، متقاضی یک ناظر عمومی اجتماعی بوده که فعالیت‌هایش از حمایتی شبیه حمایتی که کنوانسیون برای مطبوعات ارائه می‌کند برخوردار است و از طرف‌دیگر درخواست برای بررسی قانون از منظر قانون اساسی، به‌ویژه زمانی که توسط یکی از نمایندگان مجلس مطرح شود، بدون شک یک موضوع مربوط به منافع عمومی را تشکیل می‌دهد و ضمناً هیچ اشاره‌ای به زندگی خصوصی نماینده مجلس مورد نظر در شکایت دیده نمی‌شود؛ لذا اگر مقامات عمومی بتوانند مطبوعات و مباحثات عمومی را به نام حقوق شخصیتی خود سانسور کنند برای آزادی بیان در عرصه سیاست، کشنده خواهد بود (Voorhoof et al, 2016, p.197-198).

۳-۳- امنیت عمومی^۱

امنیت از ایمان و ایمنی گرفته شده که به مفهوم آرامش در برابر ترس، رعب و نگرانی است (عمید، ۱۳۷۹، ص. ۵۸۹) ریشه لاتین امنیت واژه *securus* است که در لغت به معنای نداشتن دله‌ره و دغدغه است. در اصطلاح حقوق، علما تعاریف متعددی ارائه داده‌اند؛ چنانچه از دید لارنی مارتین^۲، «امنیت تضمین رفاه آتی است» و از دید ایان بلانی^۳، «امنیت یعنی رهایی نسبی از جنگ» و از دید جان ای مورز^۴، «امنیت عبارتست از رهایی نسبی از تهدیدهای زیانبخش» (باری، ۱۳۷۸، ص. ۲۵). در تعریف جامع‌تری که از واین جونز^۵ ارائه شده، امنیت «به نبود هراس و بیم نسبت به مخاطره یافتن حقوق و آزادی‌های مشروع و به مصون بودن از تهدید و مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که

1- public security
2- Larene Martin
3- Ian Bellany
4- John. E. Morrz
5- Wyn Jones

آرامش انسان را از بین ببرد» تعریف شده است (Jones, 1999, p.102). گزارش توسعه انسانی^۱ در سال ۱۹۹۴ به دو مسئله اصلی تشکیل‌دهنده امنیت انسانی تأکید دارد: «آزادی از ترس» و «آزادی از احتیاج». این آزادی‌ها، بخشی از چهار آزادی است که فرانکلین روزولت در سخنرانی‌اش در سال ۱۹۴۱ به آن اشاره کرده است. وی از آزادی‌هایی چون «آزادی بیان و سخنرانی، آزادی اعتقاد، آزادی از ترس و آزادی از احتیاج» نام می‌برد (Roosevelt, 1941, pp.663-672).

به‌عنوان مثال در پرونده‌ای علیه دولت بریتانیا^۲ دو روزنامه‌نگار قصد چاپ و انتشار کتابی با عنوان «جاسوس‌گیر»^۳ با نویسندگی پیتر رایت^۴ را داشتند. نویسنده در این کتاب فهرستی از فعالیت‌های غیرقانونی که توسط مأمور سرویس اطلاعاتی بریتانیا ادعا شده بود را بیان کرده بود. نویسنده بیان داشته بود که MI5 تمامی اجلاس‌های دیپلماتیک در لندن در سرتاسر دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ را به‌صورت پنهانی رصد می‌کرده است؛ از جمله آنها مذاکرات استقلال زیمبابوه در سال ۱۹۷۹ است که این سرویس اطلاعاتی دیپلمات‌هایی از فرانسه، آلمان، یونان و اندونزی و از جمله هتل محل اقامت خروشچف را جاسوسی کرده است. دادستان درخواست صدور قرار منع دائم چاپ کتاب را داده و در جولای ۱۹۸۶ قرار موقت صادر شد؛ اما با رد درخواست قرار منع دائم توسط مجلس لردان، شاکیان به دادگاه اروپایی از قرار منع موقت اعتراض کردند. استدلال دولت بریتانیا این بود که اطلاعاتی که نویسنده بیان کرده به‌صورت محرمانه بوده و اگر منتشر شود اعتماد کشورهای دیگر نسبت به سرویس اطلاعاتی بریتانیا سلب شده که این باعث لطمه به امنیت بریتانیا و متضرر شدن دولت می‌شود؛ اما قاضی این استدلال را نقض آزادی دریافت اطلاعات دانسته و معتقد بود که این عمل افراد را از اطلاعات مربوط به عملکرد ارگان‌های دولتی محروم می‌کند، که این خود نقض حق بنیادین مردم سالارانه است. مطبوعات و رسانه‌ها باید در انتشار اخبار عمومی آزاد باشند و در زمان صلح دولت نمی‌تواند اتاقی برای محدود کردن انتشار اطلاعات تأسیس کند (Bychawska-Siniarska,)

1- Human Development Report 1994

2- Observer and Guardian v United Kingdom - 13585/88 Judgment 26.11.1991.

3- Spy catcher

4- Peter Wright

2017, p.48). در پرونده‌ای دیگر علیه دولت یوگسلاوی^۱ در سال ۲۰۱۷ که تعدادی خبرنگار، مناظره انتخابات مجلس یوگسلاوی را پوشش می‌دادند، به‌دنبال درگیری لفظی نمایندگان مجلس، نیروهای امنیتی مداخله کرده و علی‌رغم آنکه خبرنگاران نقشی در درگیری نداشتند و منفعلانه عمل کردند؛ اما نیروهای امنیتی آنان را از صحنه اخراج کردند که استدلال دادگاه اروپایی این بود که با توجه به اینکه نامبردگان هیچ‌گونه تهدیدی برای امنیت عمومی و نظم در مجلس نداشتند و از طرفی حذف آنها اثرهای نامطلوبی را به‌دنبال خواهد داشت و خبرنگاران را از دستیابی به دانش مستقیم و دست اول و براساس تجربه شخصی خود از وقایع رخ داده در مجلس که همگی عناصر مهمی در اجرای وظایف روزنامه‌نگاری است، محروم داشته است؛ لذا این اقدام را نمی‌توان نقض امنیت عمومی و در نتیجه مجوز تحدید حق انتشار آزاد اطلاعات دانست.

نکته مهمی که در آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر مشاهده می‌شود این است که حتی زمانی که عملکرد دولت را به دلیل یکی از قیود حاکم حتی حفظ امنیت عمومی تأیید می‌کند، معتقد است که مجازات مورد حکم باید به‌گونه‌ای باشد که خللی در کار اصحاب رسانه ایجاد نشود؛ به‌عنوان مثال، در پرونده‌ای علیه دولت ایتالیا^۲ سه روزنامه‌نگار، مرتکب شنود غیرقانونی گفتگوهای بین افسران پلیس به‌منظور اطلاع سریع از صحنه‌های جنایت و تهیه گزارش آن شده بودند و دادگاه کیفری ایتالیا آنان را به حبس تعلیقی و توقیف تجهیزات رادیویی که به‌صورت غیرقانونی در اختیار داشتند، محکوم کرد. دادگاه اروپایی ضمن تأیید اصل محکومیت آنان به دلیل ارتکاب جرم، مجازات حبس صادره را نیز به دلیل تعلیقی بودن، متناسب دانست و اذعان داشت دادگاه‌های ایتالیا بین وظیفه روزنامه‌نگاران برای رعایت قوانین داخلی و استمرار فعالیت‌های روزنامه‌نگاری آنها تمایز مناسب قائل شده‌اند و در غیر این صورت می‌توانست محدود کردن فعالیت‌های آنها محسوب شود که پذیرفتنی نیست (Voorhoof et al, 2016, pp.371-372).

1- Selmani and Others v. the former Yugoslav Republic of Macedonia - 67259/14 Judgment 9.2.2017 available at: <https://hudoc.echr.coe.int/eng#%7B%22itemid%22:%7B%22002-11386%22%7D%7D> last visited: 12/20/2023

2- Brambilla and Others v. Italy, no. 22567/09, 23 June 2016.

۳-۴- اخلاقیات و شرع^۱

یکی از مهمترین قیده‌های حاکم، اخلاق حسنه است. اخلاق حسنه مفهومی خیلی نزدیک به نظم عمومی دارد، به گونه‌ای که عده‌ای معتقدند رابطه بین این دو رابطه عموم و خصوص مطلق است، چرا که برخی از قواعد الزام‌آور جزء نظم عمومی‌اند؛ اما رعایت نکردن آن کاری ضد اخلاقی تلقی نمی‌شود، از طرف دیگر هر امر غیر اخلاقی خود به خود خلاف نظم عمومی هم هست (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص. ۱۸۱). در مقابل عده‌ای دیگر رابطه این دو را عموم و خصوص من وجه دانسته‌اند (شهابی و شهیدی، ۱۳۹۷، ص. ۵۱۳). اگرچه قواعد اخلاقی بر تمامی جوامع انسانی حاکم است؛ اما در کشورهای اسلامی قلمرو دیگری به نام قواعد شرعی نیز وجود دارد که حق‌ها و آزادی‌های سیاسی افراد می‌تواند تحت تأثیر آن باشد. با توجه به اینکه قواعد اخلاقی متناسب با مقتضیات هر جامعه ممکن است متفاوت باشد، به همین دلیل در اکثر پرونده‌های مطرح در دادگاه اروپایی حقوق بشر، که آزادی افراد با موانع اخلاقی و مذهبی مواجه شده است، دادگاه اروپایی، رأی دادگاه‌های داخلی را به دلیل احاطه بر قواعد اخلاقی و مذهبی ملی تأیید می‌کند؛ به عنوان مثال در پرونده‌ای علیه دولت سوئیس^۲ دخالت مقامات دولتی در آزادی‌های افراد و از جمله آزادی بیان توسط دادگاه اروپایی منطقی و در جهت حمایت از اخلاقیات در یک جامعه مردم‌سالار ضروری تشخیص داده شد. در پرونده مذکور، آقای مولر در یک نمایشگاه هنری نقاشی‌هایی با موضوع‌های لواط، استمناع، جماع با حیوانات و همجنس‌گرایی را به نمایش گذاشته بود. دادگاه سوئیس وی را محکوم کرد. ولی نامبرده مدعی نقض آزادی بیان در دادگاه اروپایی حقوق بشر بود. دادگاه اروپایی ضمن اشاره به فقدان مفهوم واحد از اخلاقیات در قلمرو دولت‌های عضو کنوانسیون، مقرر داشت دادگاه‌های ملی در موقعیت بهتری نسبت به قضات بین‌المللی در خصوص تصمیم‌گیری در مورد اخلاقیات قرار دارند، و در ضمن آن بیان داشته که نقاشی‌های مزبور به روش گستاخانه‌ای روابط جنسی، به خصوص رابطه انسان و حیوان را به نمایش گذاشته است و از آنجاکه هیچ‌گونه محدودیت سنی یا قید دیگری در بازدید قید نگردیده مسئول نمایشگاه نیز برخلاف اخلاقیات عمل کرده است

1- morals and religion

2- Müller and Others v Switzerland – 10737/84 Judgment 24 May 1988.

(Bychawska-Siniarska, 2017, p.57). در پرونده دیگری علیه دولت فنلاند^۱ که در سال ۲۰۱۱ مطرح شد خانم هنرمندی آثار هنری خود را در گالری هنری در هلسینکی به نمایش گذاشت. این آثار شامل صدها عکس از دختران نوجوان یا زنان بسیار جوان در حال اعمال جنسی بود. تصاویر از صفحات اینترنت رایگان بارگیری شده بود. یک روز پس از افتتاح نمایشگاه، پلیس تصاویر را ضبط کرد و نمایشگاه تعطیل شد. پلیس همچنین رایانه خانم مزبور را توقیف کرد. دادستان عمومی علیه این هنرمند اتهاماتی را مطرح کرد. دادگاه داخلی این هنرمند را به دلیل داشتن و توزیع تصاویر زننده جنسی که کودکان زیر ۱۸ سال را نشان می‌دهد محکوم کرد. همچنین با اشاره به اینکه اگرچه طبق بخش‌های ۱۷، ۱۸ و ۱۹ قانون مجازات فنلاند داشتن و توزیع تصاویر زننده جنسی که کودکان را به تصویر می‌کشد، عمل مجرمانه تلقی می‌شود؛ اما با توجه به اینکه قصد مرتکب، ارتکاب یک عمل مجرمانه نبوده بلکه برعکس انتقاد از دسترسی آسان به پورنوگرافی کودکان در اینترنت بود و از طرفی، این جرائم قابل بخشش بودند، دادگاه فنلاند ممنوعیت و محرومیتی را علیه این هنرمند اعمال نکرد ولی در عوض دستور توقیف تمامی تصاویر را صادر کرد. نامبرده بابت نقض آزادی بیان، به دادگاه اروپایی حقوق بشر شکایت کرد و دادگاه با این استدلال که در اختیار داشتن و نمایش عمومی پورنوگرافی کودکان در هر صورت مشمول مسئولیت کیفری است و این اقدام نامبرده ضمن اینکه نقض حریم خصوصی کودکان است، نقض ملاحظه‌های اخلاقی نیز محسوب می‌شود، دعوی وی را رد کرد (Voorhoof et al, 2016, p.245).

۳-۵- وفاق ملی^۲

وفاق ملی و یا وحدت ملی در جوامع امروزی، به‌خصوص جوامع چندفرهنگی که دارای اقوام، مذاهب، زبان و نژاد مختلف هستند از اهمیت زیادی برخوردار است. جریحه‌دار کردن احساسات هویت‌های مختلف در کشور نه‌تنها نظم و امنیت عمومی را به هم می‌زند بلکه می‌تواند منجر به جنگ‌های داخلی و فروپاشی گردد. به همین مناسبت یکی از مبانی

1- Karttunen v Finland (dec.), no. 1685/10, 10 May 2011.

2- National Consunes

دخالت دولت، حفظ وفاق ملی است. شاخص‌ترین پرونده‌هایی که در این خصوص می‌توان مثال زد، دعاوی است که علیه ترکیه در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح شده است. در ۸ ژوئیه ۱۹۹۹، دادگاه مذکور در مورد ۱۳ پرونده که علیه ترکیه به دلیل نقض ماده ۱۰ کنوانسیون و حق آزادی بیان مطرح شده بود، رأی صادر کرد که در ۱۱ مورد^۱ آن به نقض ماده ۱۰ رأی داد. همه این دعاوی مربوط به محکومیت نشریات به دلیل تبلیغات جدایی طلبانه علیه تمامیت ارضی ترکیه و تشویق کردها به رفتارهای تجزیه طلبانه است. دادگاه‌های داخلی استنتاج کرده بودند که حمایت از امنیت ملی، همبستگی سرزمینی، وحدت ملی و جلوگیری از بی‌نظمی از قیود حق بر آزادی بیان است که متهمین آنها را نقض کرده‌اند. با بررسی کامل عبارات و محتوای نشریه‌ها، دادگاه اروپایی به این نتیجه می‌رسد که غیر از مطالب مندرج در دو هفته‌نامه^۲، سایر مقالات، گزارش‌های خبری و سخنرانی‌ها هیچ‌کدام به دنبال ترویج خشونت نبوده و صرفاً انتقاد از عملکرد دولت بوده که این یکی از وظایف رسانه‌هاست. همچنین تأکید کرد که قلمرو انتقادات از بدنه دولت و سیاستمداران گسترده‌تر از شهروندان خصوصی است و این مقامات داخلی در بهره‌مندی عموم از حق بر آگاهی از ابعاد مختلف وضعیت در جنوب شرق ترکیه بدون توجه به اینکه برای آنان خوشایند یا ناخوشایند باشد کوتاهی کرده‌اند و این برخلاف ماده ۱۰ کنوانسیون است. وانگهی این‌گونه محکومیت‌ها خصوصاً با مجازات‌های سنگین، مانع از مشارکت مطبوعات و رسانه‌ها در موضوعات مورد علاقه عمومی است. علاوه بر این، طبق

1- Arslan v. Turkey [GC], no. 23462/94, 8 July 1999.
Polat v. Turkey [GC], no. 23500/94, 8 July 1999.
Başkaya and Okçuoğlu v. Turkey [GC], nos. 23536/94 and 24408/94, ECHR 1999-IV.
Karataş v. Turkey [GC], no. 23168/94, ECHR 1999-IV.
Erdoğan and İnce v. Turkey [GC], nos. 25067/94 and 25068/94, ECHR 1999-IV.
Ceylan v. Turkey [GC], no. 23556/94, ECHR 1999-IV.
Okçuoğlu v. Turkey [GC], no. 24246/94, 8 July 1999.
Gerger v. Turkey [GC], no. 24919/94, 8 July 1999.
Sürek and Özdemir v. Turkey [GC], nos. 23927/94 and 24277/94, 8 July 1999.
Sürek v. Turkey (no. 2) [GC], no. 24122/94, 8 July 1999.
Sürek v. Turkey (no. 4) [GC], no. 24762/94, 8 July 1999.
2- Sürek v. Turkey (no. 1) [GC], no. 26682/95, ECHR 1999-IV.
Sürek v. Turkey (no. 3) [GC], no. 24735/94, 8 July 1999.

نظر دادگاه، در این پرونده‌ها نقض ماده ۶ کنوانسیون در خصوص حق دادرسی در دادگاه‌های مستقل و بی‌طرف نیز صورت گرفته است، چراکه این دعوی در دادگاه‌های امنیت ملی ترکیه مورد رسیدگی قرار گرفته بودند که یک نفر از سه قاضی آن، نظامی هستند (Voorhoof et al, 2016, pp.60-61).

۳-۶- حریم خصوصی و سایر منافع مشروع دیگران^۱

این محدودیت در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است. چرا که عدم توجه به حقوق دیگران، به معنی مطلق بودن حق‌های سیاسی است و با توجه به تزامم حق‌ها می‌بایست گفت یکی دیگر از مبانی دخالت دولت، تحدید حق‌های بشر به‌طور کلی و حق‌های سیاسی به‌طور خاص در جهت حمایت از حقوق سایرین است. چنانکه جان استوارت میل در کتاب «رساله‌ای در باب آزادی» به بهترین نحو ممکن بیان می‌دارد که آزادی فرد را، حق تساوی فرد دیگر بر آزادی، محدود می‌کند (میل، ۱۳۱۵، ص. ۱۱۴). در طیف عظیمی از پرونده‌های مطرح در دادگاه اروپایی، به این موضوع پرداخته شده است که آیا نقض آزادی بیان در راستای حمایت از حقوق دیگران به‌صورت موجه صورت گرفته است یا خیر. در پرونده‌ای علیه دولت سوئیس^۲ در سال ۲۰۰۶ گزارشگر روزنامه‌ای تصمیم گرفت در مورد یک سرقت بزرگ از اداره پست در زوریخ، تحقیق کند؛ لذا تقاضای اسامی افرادی که در رابطه با سرقت دستگیر شده بودند را داشت و با توجه به عدم حضور دادستان در اداره، این تقاضا را از دستیار اداری وی کرد که نامبرده اطلاعات را در اختیار گزارشگر قرار داد و وی علی‌رغم آنکه اطلاعات مزبور را منتشر نکرده بود ولی آنان را به یکی از مأموران پلیس نشان داده و او نیز ماجرا را به مقامات تعقیب اعلام کرده و علیه گزارشگر، پرونده کیفری مبنی بر تحریک دیگری به افشای اسرار رسمی مطرح شد که منجر به محکومیت وی در دادگاه سوئیس شد؛ اما دادگاه اروپایی حقوق بشر ضمن پذیرش این موضوع که داده‌های

1- privacy and other legitimate private interests

2- Dammann v. Switzerland - 77551/01 Judgment 25.4.2006

مربوط به سوابق کیفری مظنون باید مورد حفاظت قرار گیرد، با این استدلال که در پرونده مورد بحث، با توجه به اینکه نامبرده تصمیم گرفته بود اطلاعات مورد نظر را منتشر نکند، و از طرفی هیچ آسیبی به حقوق افراد مربوطه وارد نشده است نمی‌تواند نقض حقوق دیگران محسوب شود و محکومیت روزنامه‌نگار، نقض ماده ۱۰ کنوانسیون است (Voorhoof et al, 2016, p.144).

همچنین در پرونده‌ای علیه دولت استونی^۱ در سال ۲۰۱۳ یکی از بزرگترین پورتال‌های خبری استونی در اینترنت به نام دلفی، به دلیل اظهارات توهین‌آمیز شدید در نظرهای برخط خوانندگان، محکوم به نقض حقوق شخصیتی شاکی (یک کاپیتان از حوزه صنعت) شناخته شد. مطابق دستورالعمل تجارت الکترونیک و قانون استونی، هیچ تعهد کلی برای نظارت نباید بر ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی تحمیل شود و حذف سریع در صورت اطلاع از محتوای غیرقانونی، ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی را از مسئولیت معاف می‌کند. علی‌رغم اینکه دلفی این‌گونه عمل کرده بود و به سرعت و به محض اطلاع از اظهارات توهین‌آمیز اقدام به حذف آن از تارنمای خود کرده بود، مشمول معافیت مزبور نشد؛ چراکه نظرهای خوانندگان را در پورتال خبری خود ادغام کرده بود و کاربران را برای ارسال نظرها دعوت می‌کرد و از منافع اقتصادی ناشی از ادغام بستر خبری خود با محیط نظرات کاربران بهره‌برداری می‌کرد. از آنجا که دلفی به جای ارائه‌دهنده خدمات فنی، ارائه‌دهنده خدمات محتوا در نظر گرفته شد که باید به‌طور مؤثر از انتشار نظرهای غیرقانونی جلوگیری می‌کرد؛ لذا دادگاه‌های استونی دلفی را به دلیل اینکه باید از علنی شدن اظهارهای توهین‌آمیز جلوگیری می‌کرد، محکوم کرد و دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز با اتفاق آرا آن را تأیید کرد و دخالت دولت را موجه و متناسب در حق آزادی بیان دلفی دانست (Voorhoof et al, 2016, pp.295-296).

برابر رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، در خصوص احتمال تزامم بین انتشار اطلاعات به دلیل منافع عمومی و حریم خصوصی می‌بایست بین این دو توازن برقرار شود. در پرونده‌ای علیه دولت سوئد^۲ در سال ۲۰۱۰، دادگاه اروپایی حکمی را در مورد یک پرونده

1- Delfi AS v. Estonia, no. 64569/09, 10 October 2013.

2- Gillberg v. Sweden, no. 41723/06, 2 November 2010.

جالب با ترکیبی عجیب از مسائل مربوط به آزادی بیان، تحقیقات دانشگاهی، داده‌های پزشکی، حفاظت از حریم خصوصی و دسترسی به اسناد رسمی صادر کرده است. در این پرونده آنچه استنتاج شده این است که اگر روش تحقیق مطالعات یا تجزیه و تحلیل داده‌های علمی و نتیجه‌گیری‌های مبتنی بر داده‌ها قابل دسترسی برای بررسی، بحث و مناظره نباشد، - البته تحت شرایط سخت حفاظت از حریم خصوصی در رابطه با داده‌های پزشکی - پیشرفت در علم و دانش به‌طور بی‌موردی با مانع مواجه می‌شود. در این پرونده یک استاد سوئدی در دانشگاه گوتنبرگ (آقای گیلبرگ) مسئول طرح تحقیقاتی طولانی‌مدت در مورد بیش‌فعالی کودکان بوده است. در مورد محرمانه بودن داده‌های جمع‌آوری شده اطمینان خاصی به والدین کودکان و بعداً به خود جوانان داده شده و کمیته اخلاق دانشگاه نیز پیش‌شرط طرح را این قرار داده بود که اطلاعات حساس در مورد شرکت‌کنندگان فقط برای خود و کارکنانش قابل دسترسی باشد. چند سال بعد دو محقق دیگر که به دانشگاه گوتنبرگ مرتبط نبودند درخواست دسترسی به مواد تحقیقاتی را کردند که درخواست آنان توسط آقای گیلبرگ و سپس دانشگاه رد شد. هر دو محقق در خصوص تصمیمات دانشگاه به دادگاه سوئد اعتراض کردند و دادگاه با تشخیص اینکه محققان به‌خوبی با روش‌های رسیدگی به داده‌های محرمانه آشنا هستند، رأی به دسترسی محققان به داده‌ها را داد و شرایطی که محققان در استفاده از داده‌ها باید رعایت کنند را نیز مشخص کرد. با این حال، دانشگاه و آقای گیلبرگ از دسترسی محققان ممانعت کردند و چند روز بعد، داده‌های تحقیق توسط چند نفر از همکاران آقای گیلبرگ از بین رفت. به دنبال این ماجرا ضمن محکوم شدن دانشگاه و همکاران آقای گیلبرگ به دلیل از بین بردن داده‌ها، آقای گیلبرگ نیز به دلیل سوءاستفاده از مقام به مجازات محکوم شد که منجر به شکایت آقای گیلبرگ به دادگاه اروپایی حقوق بشر بابت نقض حق آزادی بیان وی از نوع منفی (منع از برقراری ارتباط) می‌شود. ضمناً وی مدعی بوده است که خودداری وی به دلیل حمایت از حقوق دیگران و حفظ حریم خصوصی کودکان شرکت‌کننده در پژوهش بوده است. دادگاه با این استدلال که برای پیشرفت دانش، باید روش‌ها و شواهد مورد استفاده در تحقیقات، - البته با در نظر گرفتن اصول حفاظت از

داده‌های شخصی، توسط سایر محققان بحث و بررسی شود، اصل محکومیت را ناقض ماده ۱۰ کنوانسیون ندانست ولی در میزان مجازات، به این دلیل که وی تلاش کرده از حریم خصوصی و تمامیت شرکت‌کنندگان در تحقیق محافظت کند، قائل به تخفیف شد (Voorhoof et al, 2016, pp.231-233).

۳-۷- حقوق مالکیت فکری^۱

یکی از حقوق مشروع دیگران به عنوان یکی از قیود مداخله دولت‌ها در آزادی اطلاعات و انتشار آن، حقوق مالکیت فکری است. حقوق مالکیت فکری، حقوقی است که شخص نسبت به نتایج، یافته‌ها و آثار فکری خود دارد (محمودی، ۱۳۹۱، ص. ۹۷). حق مزبور که صاحب آن از دو نوع حق مالی و اخلاقی بهره‌مند می‌گردد، غالباً ماهیت منفی و سلبی دارد تا ماهیت و محتوای ایجابی. به عبارت دیگر حق مزبور حقی است که به پدیدآورده خود امکان می‌دهد دیگران را از تجاوز به حق خود باز دارد تا اینکه حق مثبت بهره‌برداری (مانند ساخت، تولید، فروش و امثال آن) بدهد (Shear and Kelley, 2006, p.1128). حق مزبور به دلیل نزدیکی با حق آزادی اطلاعات دارای مرز مشخصی نیست و گاه به نام حق آزادی اطلاعات ممکن است حق مالکیت افراد و گاه برعکس به نام حق مالکیت فکری ممکن است حق آزادی اطلاعات و آزادی انتشار آن محدود گردد (شیخی، ۱۳۸۴، ص. ۹۰-۹۴)؛ لذا تعیین مرز دقیق بین این دو نیز به سختی امکان‌پذیر است. دادگاه اروپایی حقوق بشر برای اولین بار در پرونده‌ای علیه دولت فرانسه^۲ در سال ۲۰۱۳، بیان داشته محکومیت مبتنی بر قانون مالکیت فکری برای بازتولید غیرقانونی یا نشر عمومی مطالب محافظت شده از طریق حق مؤلف می‌تواند به عنوان مداخله در حق آزادی بیان و اطلاعات مطابق ماده ۱۰ کنوانسیون تلقی شود. در پرونده مذکور سه عکاس مد، پس از انتشار تصاویر موجود در نمایشگاه مد در پاریس که در سال ۲۰۰۳ گرفته شده بود در تارنمای اینترنتی viewfinder به دلیل نقض مالکیت فکری در مجموع به ۲۵۵۰۰۰ یورو به عنوان جریمه و غرامت به فدراسیون طراحی لباس فرانسه و پنج خانه مد محکوم شدند. دادگاه اروپایی گرچه

1- intellectual property rights

2- Ashby Donald and Others v. France, no. 36769/08, 10 January 2013.

محکومیت به پرداخت خسارت را دخالت در حق آزادی بیان منتشران عکس‌ها می‌داند، چرا که آزادی بیان شامل انتشار تصاویر در اینترنت نیز می‌شود، با این حال با بیان اینکه در این موارد باید به مقامات داخلی اختیار عمل گسترده‌تری داده شود، همسو با دادگاه فرانسه، معتقد است انتشار تصاویر بدون مجوز صاحبان حق مؤلف، نقض حقوق مالکیت فکری آنان محسوب می‌شود و مداخله دولت در آزادی بیان موجه است. به خصوص اینکه انتشار تصاویر مدل‌ها در یک شوی مد، یک موضوع دارای منفعت عمومی نیست که بتواند انتشار تصاویر بدون اجازه صاحبان حق مؤلف را توجیه نماید؛ بنابراین طبق نظر دادگاه اروپایی، قاضی ملی با برتری دادن به حقوق پدیدآورندگان مد بر حق آزادی بیان خواهان دعوا از حاشیه اختیار خود فراتر نرفته و نقض ماده ۱۰ کنوانسیون صورت نگرفته است (Voorhoof et al, 2016, pp.276-277).

۳-۸- تجویز شده توسط قانون^۱

مطابق ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در زمینه دسترسی به اسناد دولتی، هر یک از قیود فوق‌الذکر در صورتی می‌تواند مجوزی برای مداخله در حق دسترسی به اطلاعات و آزادی انتشار آن باشد که به موجب قانون پیش‌بینی و تجویز شده باشد. در پرونده‌ای علیه دولت صربستان^۲ در سال ۲۰۱۳، یک سازمان غیردولتی که با هدف اطمینان از احترام به حقوق بشر، مردم‌سالاری و حاکمیت قانون تأسیس شده بود از سازمان اطلاعات دولت صربستان درخواست اطلاعات در جهت تضمین اهداف مذکور را نمود که سازمان اطلاعات این درخواست را رد کرد. دادگاه اروپایی حقوق بشر در رای خود چنین استدلال کرد که یک سازمان غیردولتی درگیر در موضوع‌های مربوط به منافع عمومی نقش نظارت عمومی با اهمیتی مشابه نقش مطبوعات ایفا می‌کند. از آنجایی که بدیهی است متقاضی خواهان جمع‌آوری قانونی اطلاعات مورد علاقه عمومی به قصد انتقال آن به عموم و در نتیجه مشارکت در مباحث عمومی داشته است، حق آزادی بیان نقض شده است. آزادی بیان می‌تواند مشمول محدودیت‌هایی باشد؛ اما هرگونه محدودیتی باید

1- Prescribed by law.

2- Youth Initiative for Human Rights v. Serbia - 48135/06 Judgment 25.6.2013.

مطابق با قوانین داخلی باشد. محدودیت‌های اعمال شده توسط سازمان اطلاعات در پرونده مذکور این معیار را برآورده نکرده است؛ لذا اقدام سازمان اطلاعات صربستان مغایر با قوانین داخلی بوده و نوعی خودسری می‌باشد (Voorhoof et al, 2016, pp.286-287). همچنین در پرونده‌ای دیگر علیه دولت مجارستان^۱ در سال ۲۰۰۹ یک تاریخ‌دان از وزارت کشور درخواست نمود تا به اسناد خاصی دسترسی پیدا کند؛ زیرا او مایل به انتشار مطالعه‌ای در خصوص عملکرد سرویس امنیت دولت مجارستان در دهه ۱۹۶۰ بود. درخواست وی به دلیل طبقه‌بندی اسناد مذکور به‌عنوان اسرار دولتی رد شد. پس از شکایت به دادگاه منطقه‌ای و در نهایت دیوان عالی این کشور و علی‌رغم صدور رأی به نفع وی، وزارت کشور اجازه دسترسی را به شرط دادن تعهد رعایت محرمانه‌گی به وی داد که وی را به هدفش نمی‌رساند. علی‌رغم اعتراض‌های مکرر، پس از گذشت ۸ سال همچنان به متقاضی دسترسی نامحدود به تمام اسناد مربوطه داده نشده بود. دادگاه اروپایی استدلال کرد که اکراه سرسختانه مقامات از اجرای احکام و دستورهای قضایی، در تضاد با قوانین داخلی و مساوی با خودسری است. این سوءاستفاده از قدرت از سوی مقامات عمومی را نمی‌توان یک اقدام «تجویز شده توسط قانون» توصیف کرد (Voorhoof et al, 2016, p.199).

نتیجه‌گیری

حق بر آزادی اطلاعات به‌عنوان یکی از حق‌های بشری و به‌خصوص حق‌های سیاسی محسوب می‌شود که نقش اساسی در تضمین سایر حق‌های بشری دارد. چرا که حق مزبور باعث ارتقای سطح آگاهی افراد جهت شناخت امور و آگاهی از حقوق خود، تصمیم‌گیری بهتر و مناسب‌تر در امور عمومی، شناخت بیشتر و دقیق‌تر در انتخابات و ارزیابی عملکرد دولت‌ها می‌شود. همچنین لازمه حق مشارکت در سرنوشت عمومی، آگاهی از مسائل و امور است تا شهروندان بتوانند در تصمیم‌گیری‌های عمومی نقش مؤثر و مطلوبی ایفا نمایند؛ لذا اگر حق مزبور به نحو مطلوبی محقق شود می‌تواند از

1- Kenedi v. Hungary - 31475/05 Judgment 26.5.2009.

طریق شفاف‌سازی امور و ارتقای سطح آگاهی‌های مردم زمینه استمرار حاکمیت مردم را تسهیل و در نتیجه در تحقق مردم‌سالاری کمک‌کننده باشد. حق مزبور بر مبنای تحلیل هوفلد حق-ادعا بوده که ذیحق آن افراد بشر و مکلف آن دولت‌ها می‌باشند. لازمه بهره‌مندی از حق مزبور، داشتن رسانه‌ها و ابزارهای اطلاع‌رسانی مستقل و بی‌طرف است. در صورتی که ابزارهای مزبور فراهم نباشد بهره‌مندی از حق مزبور نیز به نحو مطلوبی فراهم نخواهد شد، به خصوص اینکه کشورهای غیرمردم‌سالار با تسلط و دخالت در رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی جریان اطلاع‌رسانی صحیح را مختل کرده و از آن در جهت توجیه اقدام‌های خلاف حقوق بشری خود استفاده می‌نمایند. با این حال، حق مزبور حقی مطلق نبوده و بلکه مقید است که قیود آن در اسناد بین‌المللی مشخص شده است؛ اما نکته مهم این است که قیود مزبور عمدتاً مفاهیم مجرد بوده که نه تنها در قوانین در خصوص تعریف و ماهیت آنها سکوت اختیار شده بلکه حتی در دکترین حقوقی نیز در خصوص آنها اختلاف نظر وجود دارد و به سادگی ممکن است مورد سوءاستفاده دولت‌ها قرار گیرد. یکی از راهکارهای تعیین قلمرو قیود مزبور توجه به رویه قضایی، آن هم توسط مرجع قضایی بی‌طرف و فراتر از سطح دولت-کشورها، یعنی دادگاه اروپایی حقوق بشر است. توجه به رویه قضایی دادگاه مذکور نشان می‌دهد که در بیشتر مواردی که دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به استناد به قیود مزبور حقوق افراد را در انتشار آزاد اطلاعات و دسترسی به آن محدود کرده‌اند، دادگاه حقوق بشر دولت عضو را محکوم به نقض آزادی اطلاعات کرده است و استناد به قیود را موجه ندانسته است. آنچه که به عنوان قاعده می‌توان از رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر استخراج کرد این است که در هر پرونده، با توجه به اوضاع و احوال آن به بررسی فواید آزادی بیان و انتشار آزاد اطلاعات و مضرات نقض آن می‌پردازد و با توجه به ظرفیت تفسیرپذیر بودن قیود مداخله دولت‌ها در حق مزبور، رأی به نقض یا عدم نقض آن می‌دهد. به ویژه در تعیین مجازات اشخاصی که بر خلاف قانون به انتشار اطلاعات پرداخته‌اند به این نکته توجه دارد که مجازات در نظر گرفته شده، خللی در انجام وظیفه صاحبان رسانه ایجاد نکند؛ به طوری که اولاً مانعی بر ادامه فعالیت آنها در آینده نباشد و ثانیاً در ادامه راه، آنها را

مجبور به خودسانسوری نکند.

منابع و مأخذ

- الماسی، نجادعلی؛ علیزاده، عبدالرضا و کریم‌پور، صالح (۱۳۹۵). نظم عمومی در رویکرد حقوقی، فقهی و جامعه‌شناختی. *مجله پژوهش‌های فقهی*، دوره ۱۲، ش ۱، صص ۱-۳۶.
- انصاری، باقر (۱۳۸۶). مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات. *نامه مفید*، دوره ۱۳، ش ۶۱، صص ۱۵۸-۱۳۸.
- انصاری، باقر (۱۳۸۷). *آزادی اطلاعات*. تهران: نشر دادگستر.
- باری، بوزان (۱۳۷۸). *مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل*. ترجمه رحمان قهرمانپور. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: انتشارات گنج دانش.
- حاج‌زاده، هادی (۱۳۹۳). *بررسی مفهوم منفعت عمومی (گزارش پژوهی)*. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- رحمت‌اللهی، حسین و آقا محمدآقایی، احسان (۱۳۹۵). *گذار از دولت مطلقه به مشروطه*. تهران: انتشارات خرسندی.
- رستمی خوراسگانی، اکبر (۱۴۰۱). *حقوق رسانه، آزادی بیان و حقوق بشر. جامعه‌شناسی ارتباطات*، سال دوم، ش ۸، صص ۸۵-۱۱۴.
- شهابی، مهدی، شهیدی، نگار (۱۳۹۷). اخلاق حسنه و نظم عمومی چون منابع اصول و قواعد حقوقی؛ تاملی بر چگونگی گذار از کارکرد سلبی به کارکرد ایجابی نهادهای حقوقی. *مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۸، ش ۳، صص ۵۱۱-۵۲۸.
- شیخی، مریم (۱۳۸۴). *ضمانت اجراهای حقوق مالکیت ادبی و هنری در حقوق ایران و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی*. *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۵۱-۵۰، صص ۱۷۸-۲۰۷.
- عمید، حسن (۱۳۷۹). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قاری سیدفاطمی، محمد (۱۳۸۹). *حقوق بشر در جهان معاصر*. تهران: مؤسسه مطالعات شهر دانش.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). *قواعد عمومی قراردادها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گرچی، علی اکبر (۱۳۸۸). *در تکاپوی حقوق اساسی*. تهران: نشر جنگل.
- محمودی، اصغر (۱۳۹۱). *ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آن در حقوق اموال*. دانش حقوق مدنی، ش ۲، صص. ۹۴-۱۰۷.
- مولایی، مهرداد (۱۳۷۸). *آزادی بیان و محدودیت‌های آن در دادگاه اروپایی حقوق بشر*. رسانه، سال دهم، ش ۲، صص. ۳۰-۳۵.
- میل، جان استوارت (۱۳۸۵). *رساله‌ای درباره آزادی*. ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نمک‌دوست تهرانی، حسن (۱۳۸۳). *آزادی اطلاعات و حق دسترسی؛ بنیان دموکراسی*. مجلس و راهبرد، ش ۴۲، صص. ۶۷۱-۶۸۹.
- ویژه، محمدرضا و امجدیان، حسن (۱۳۹۴). *رویکرد فقهای شورای نگهبان در زمینه رویارویی مالکیت خصوصی و منفعت عمومی؛ مطالعه رویه‌ای*. فصلنامه دانش حقوق عمومی، ش ۱۲، صص. ۲۳-۴۶.
- Bychawska-Siniarska, Dominika. (2017). Protecting the right to freedom of expression under the European Convention on human rights- a handbook for legal practitioners. Council of Europe.
- Council of Europe Convention on Access to official document (Council of Europe Treaty series-no.205 (Art.1) available at: <https://rm.coe.int/1680084826> (last visited: 11/20/2023)
- European Convention of Human Rights (1950).
- Franklin D. Roosevelt. (1941). Annual Message to Congress on the State of the Union. in *The Public Papers and Addresses of Franklin D. Roosevelt*. New York: MacMillan. Pp. 663-672.
- Hohfeld, W. (1917). Fundamental legal Conception as applied in judicial reasoning, 26 Yale law journal. pp 710-770.
- Jones, Richard Whyen. (1999). *Security, Strategy and Critical Theory*. London: Lynne Rienner Publication.
- Richard H Shear, Thomas E Kelley, Thomas. E. (2006). researchers guide to patent. *Plant Physiology*, Volume 132, Issue 3. pp 1127-1130.
- UN General Assembly, calling of an international conference on freedom of information, 4 december 1946, a/RES/59. Available at: <https://www.refworld.org/docid/3boof0975.html> (last visited: 9/26/2023)

United Nations Universal Declaration of Human Rights (1948).

Voorhoof, Dirk et al. (2016). Freedom of Expression, the Media and Journalists: Case-law of the European Court of Human Rights, IRIS themes, Strasbourg: European Audiovisual Observatory.